



قوه قضائیه

ملاحظات فی درباره

«قانون کار، ش. مجازات حبس تعزیری»

رسول احمد زاده، مجتبی تام

بایداد دکترا علین الهام

سرشناسه	: احمدزاده، رسول، ۱۳۷۲-
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری/ رسول احمدزاده، مجتبی تام؛ با دیباچه غلامحسین الهام؛ ویراستار زهرا مشایخی.
مشخصات نشر	: تهران: قوه قضاییه، معاونت اجتماعی و اطلاع‌رسانی، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ص: جدول؛ ۱۴×۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۰-۲۰۷-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: مجازات -- ایران
موضوع	: مجازات -- ایران
شناسه اف‌ا	: تام، مجتبی، ۱۳۷۲-
شناسه افزوده	: الهام، غلامحسین، ۱۳۳۸ - مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	: ایران. قوه قضاییه. مرکز مطبوعات و انتشارات
رده بندی کنگره	: ۳۷۹H
رده بندی دیویی	: ۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۲۹۳۱/۱
Criminal law -- Iran	
Punishment -- Iran	

وبسایت: <http://judpub.ir> کدپستی: ۱۵۹۹۶۵۳۳۱ تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۱۹۹۹۰۴



نشانی: تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان سمیه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه

عنوان: ملاحظاتی درباره «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»

مؤلفان: رسول احمدزاده، مجتبی تام

ویراستار: زهرا مشایخی

صفحه‌آرایی: مرگان کاظمی

ناشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۰-۲۰۷-۹

قیمت: ۲۸۰/۰۰۰ ریال

تیراژ و نوبت چاپ: ۱۰۰۰ نسخه - چاپ اول - شهریور ۱۳۹۹

مرکز پخش، فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان سمیه، ساختمان شماره ۳ قوه قضاییه

شماره‌های تماس: ۰۲۱ ۸۸۱۹۹۹۰۴ - ۰۲۱ ۸۸۱۹۹۹۱۳

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۹	شرح ماده یکم
۳۵	شرح ماده دوم
۴۱	شرح ماده سوم
۴۵	شرح ماده چهارم
۴۹	شرح ماده پنجم
۵۱	شرح ماده ششم
۶۳	شرح ماده هفتم
۷۱	شرح ماده هشتم
۷۵	شرح ماده نهم
۷۹	شرح ماده دهم
۸۱	شرح ماده یازدهم
۹۷	شرح ماده دوازدهم
۱۲۱	شرح ماده سیزدهم
۱۲۷	شرح ماده چهاردهم
۱۲۹	شرح ماده پانزدهم
۱۳۵	ضمیمه (۱): شرح ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی
	ضمیمه (۲): متن مواد اصلاحی جرایم قابل گذشت قانون مجازات
۱۴۵	اسلامی (کتاب تعزیرات)
	ضمیمه (۳): متن برخی از مواد اصلاحی جرایم قابل گذشت در
۱۵۵	قوانین خاص

ضمیمه (۴): جدول جرایم تعزیری قابل گذشت	۱۵۹
ضمیمه (۵): آثار قابل گذشت بودن جرایم	۱۶۱
ضمیمه (۶): برخی از مصادیق شروع به جرم در قوانین خاص	۱۶۳
ضمیمه (۷): برخی از مصادیق معاونت در قوانین خاص	۱۶۵
ضمیمه (۸): برخی از آثار درجه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی	۱۶۷
ضمیمه (۹): برخی از آثار درجه‌بندی مجازات‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری	۱۶۹
ضمیمه (۱۰): برخی از جهات قانونی تعیین مجازات بیش از حداقل مقرر قانونی	۱۷۳
ضمیمه (۱۱): برخی از مصادیق خاص الزام به تعیین مجازات بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی	۱۷۵
ضمیمه (۱۲): قانون کاهش مجازات حبس تعزیری	۱۷۷
نمایه واژگان و اصطلاحات	۱۸۵
فهرست منابع	۱۸۹

دیباجه

مجازات حبس محور سرگردانی سیاست کیفری جمهوری اسلامی بوده است. قبل از آن که از منظر فایده‌گرایانه به این کیفر نگریسته شود، مشروعیت آن محل مناقش بوده است. به‌طور کلی صرف‌نظر از کیفر خاص حبس یا زندان، برخلاف کیفر براب شدیدی که امروز در تفکر برخی کارگزاران دیده می‌شود و به جامعه نیز تزریق می‌گردد، کیفر تعزیر به‌طور کلی با رویکردی کاملاً متفاوت پایه‌گذاری شد. رویکرد فقهی آرمان از سوی فقه‌های شورای نگهبان آن بود که تعزیر باید ضرورت باشد و این ضرورت در تأمین هدف اصلاح و بازدارندگی قابل تحقق است. تشخیص این ضرورت نیز با قاضی و اقتضایی است. بر این مبنا چنانچه قاضی با بازدارنده‌های غیرکیفری همچون زند و تذکر توبیخ و یا برخی محرومیت‌های محدود اجتماعی به هدف تربیتی و بازدارندگی نائل شود، تعزیر کیفری ضرورت نداشته و جواز آن نیز محل تردید است. یکی از دلایل که قبول آن توسط قانون‌گذار غیرممکن یا لاقابل دشوار می‌آمد و صرفاً رای اسکات مرجع تطبیق قوانین با شرع در قانون ذکر می‌شد و هیچ‌گاه قانون‌گذار و قوه قضائیه برای یافتن مدل اجرایی جهت تحقیق آن اهتمام نکردند و این از نخستین چالش‌های قانون‌گذاری در باب تعزیرات بوده است.

چالش بنیادی دیگر، اصل تفرید مجازات تعزیری است. فقه‌های شورای نگهبان به‌جد معتقد بودند که قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» طبع ذاتی مجازات‌های تعزیری است، به‌گونه‌ای که گاه تصریح می‌کردند که اعمال این قاعده منوط به «اجتهاد» قاضی نیست. حتی اگر حدود و تعزیر به‌علت تعذر فقیهان متوقف شود و بنابر اجرای تعزیر به‌وسیله غیر فقیه هم باشد حکم «بما یراه الحاکم» یعنی تفرید کیفر تغییرپذیر نیست؛ چراکه در این صورت نظام شرعی تعزیرات را کاملاً دگرگون می‌کند و از ماهیت اسلامی خود خارج می‌سازد. در آن زمان، هم شورای عالی قضایی و هم مجلس شورای اسلامی با اتکای بر این امر که قضات حاکم مجتهد

نیستند و حتی به تعبیر حضرت امام (ره) ضرورتاً و از باب اکل میته، مبادرت به قضاوت می‌کنند از تفویض اختیار تعزیر به قاضی ابا داشتند و عقیده به تعیین کامل تعزیرات به وسیله قانون داشتند. نکته جالب در این چالش آن بود که فقهایی شورای نگهبان در نظر مکتوب خود که برای رهبر فقید انقلاب (ره) ارسال کردند تصریح و تأکید می‌کنند که اقتضای بما یراه الحاکم بودن تعزیرات مستلزم اجتهاد نیست و چه بسا تجربه قاضی غیرمجتهد در این خصوص کارآمدتر از فقیه بی تجربه در امر قضا باشد. در بخشی از نامه مزبور آمده است:

... محاذیر و مشکلاتی را که در ارتباط با اجرای تعزیرات «علی ما یراه الحاکم» مطرح نمودند، تناقضه عنوان می‌نمایند مهم و قابل توجه نیست؛ زیرا اولاً این مشکلات محاذیر که عمده آن اختلاف آرای قضات بلکه قاضی واحد است، به فرض اینکه مشکل و محذور محسوب شود، ناشی از طبع حکم «بما یراه الحاکم» است؛ هرچند قاضی سبیه باشد؛ زیرا نظرات قاضی به حساب اوضاع و شرایطی که جرم واقع شده و احوال مجرمین مختلف می‌شود و کیاست و فراست و فطانت و حذاقت قاضی در اینجا نقش مؤثر را ایفا می‌نماید و بسا که قاضی واجد این اوصاف اگرچه فقیه هم نباشد از قاضی سبیه نسبت به تشدید یا تخفیف مجازات را بهتر درک نماید چنانچه قاضی فقیه تازه کار یا قاضی مجرب با سابقه در این درک قابل مقایسه نیست ...»^۱

همان طور که گفته شد، دیدگاه فقهی شورای نگهبان بار یکبار و خواست مجلس شورای اسلامی هماهنگ نبود و شورای عالی قضایی وقت روزه قضاییه نیز با آن موافقت نداشته و این دو نهاد اصرار بر تعیین کیفرهای تعزیری مجرمان عموماً و در هر مورد داشتند و اختیار بسط ید قاضی را در این خصوص بر نمی‌تابیدند. چالش دیگر نوع تعزیرات بود. اگرچه ظاهراً اصالت و حقیقت کیفر تعزیری در صورت ضرورت از دیدگاه فقهی شلاق تصور می‌شد ولی دقت در نگرش شورا این نظر را افاده می‌کند که شورا از جهت شدت مجازات، شلاق را مبنا می‌داند ولی مجازات اخف از شلاق را از باب اولویت به عنوان مصداق تعزیر کاملاً مورد پذیرش

۱. نک: مهرپور، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۶۸)، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری تعزیرات در جمهوری اسلامی ایران)»، مجله قانون و کلام، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹، صص ۴۳ و ۴۴.

قرار می‌دهند. مناقشه در این خصوص که کدام مجازات و با چه میزان اخف از شلاق است، نزاع صفروی است. مثلاً آیا می‌توان از مجازات حبس یا جزای نقدی به‌مثابه تعزیر استفاده کرد؟ از نظر فقهای شورا این‌گونه فهم می‌شد که اگر بتوان قبول کرد که حبس اخف یا حداکثر معادل شلاق است، پذیرش آن ممکن است. بدیهی است که حبس‌های بلندمدت عرفاً نمی‌توانست معادل حداکثر ۷۴ ضربه شلاق باشد و همین‌طور جزای نقدی سنگین! در موارد تردید چاره‌ای جز رجوع به اصل ممنوعیت و حرمت کیفر وجود نداشت. در مقابل اگر به محرومیت از برخی از حقوق اجتماعی و به‌طور محدود از نظر زمانی، حکم کنیم قطعاً به مواردی اخف از شلاق عمل کرده‌ایم و در جواز آن از باب اولویت نمی‌توان تشکیک کرد. اما در مورد حبس، تردید جدی است. از این‌رو در حبس‌های کوتاه‌مدت و متناسب با شلاق، احتیاطاً مشارک محکوم‌الیه در تعیین مجازات از باب اخف و مناسب‌تر بود نیز شرط می‌شد.^۱

این اختلاف نگرش با آنکه حاکم سبب شد که اولین قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۲ به تأیید نهایی شورای نگهبان نرسد و سال‌ها در هاله‌ای از ابهام و تردید شرعی اجرا می‌شد. به‌رغم نظرات فقهی و قانون مزبور زندان به‌عنوان مجازات تعزیری در موارد مختلف مورد پذیرش واقع شد. با دقت در متن قانون سال ۱۳۶۲، حداکثر مجازات حبس ۱۰ سال است. با تصویب قانون تعزیرات در سال ۱۳۷۵ به‌طور دائم، اتکای بر حبس افزایش یافت و قانون‌گذار ۲ سال مجازات زندان پیش رفت. اگرچه این بار شورای نگهبان این قانون را تأیید نکرد، لکن تأیید شورا مبتنی بر ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب همان سال و به استناد آن ماده اختیار موسعی به قضات می‌داد که بدون هیچ محدودیتی بتوانند از بدترین‌های اجتماعی به‌جای کیفر استفاده کنند و در اعمال نهادهای ارفاقی بدون تعلیق بدون محدودیت بتوانند اقدام کنند.

۱. برای مطالعه بیشتر نک: صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۰۴ق)، *التعزیر (انواعه و ملحقاته)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، صص ۶۷ و ۶۸.

۲. الهام، غلامحسین (بهار ۱۳۹۱)، «اعتماد به قاضی (تحلیل ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریات فقهی شورای نگهبان)»، *مجله دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، شماره ۵۷، صص ۴۲-۲۵.